

بی بر ملک

الله بود که ملک دیدیم کسی نزد آن خف گوی

تقدیر خود بد گوی ملک دکل در او ملک ایستاده
نزد بود ~~ملک~~ ملک بر آن آکلایم طری اولی

آنکه می دید و یا هر راه د و هر وکی رساله کرده

طری ملک هائی ایلی ^{خو ال} در زنده بود و طری

اولی و سومی و قدم بودی تکرار اید هم روی

(Ontology) می (حقیقت نه در) دیگری ده

(بر او حقیقت نظر بیرون) (ایستاده بودی)

(Epistemology) در

(Metaphysics) میند ک

میند ک اگر بیت دوشو ~~میند ک~~

نه ملک اولور. لور. سوا و. میند ک

میند ک اولور ~~میند ک~~ میند ک میند ک

اولور. میند ک میند ک میند ک

میند ک میند ک میند ک

میند ک میند ک میند ک

میند ک میند ک میند ک

میند ک میند ک میند ک

میند ک میند ک میند ک

اٹنے پر اداہ حاصل

تطاعی د ایدم و د یلک نه بلک د خرد

د وونه نکر^د وینه او تابه قویدنی

میل یی ده د ایدم عز ایسته بربینه

د ایدم ایلک ملک بود د پیلک ایسه

نجدی سره زده ایدم د حکم ملک و

خاندان نور و لوی
شاهزاده
نور و لوی
نور و لوی
نور و لوی

ملک آه امده کی خناسینه د ایلک برانز

خوند یا کله ملا خف شایک اکلانه

نجدی اصل شور صادرند^{اوله لیک}

طیو ر م سر لوه کی ده بود

نجدی به قاردا کله قزو فیله و ندر

د ایلک ملک اکیونه نه دیکلر عیباد و کی و کی
و بیه قدرم

بسیار و نه (Epistemology) بی سبب و قابل دگر

چونکه انسان ایستاد و لا یستند با خود

و حجتش آینه یی در ده صورتی که

بیرون بیست و پنج آید و بیست و پنج

در حدیثی است که آید بر بیست و نه دولت و راجع

۱) او که بر یوزده کی ز طائران خارج گردد

قطعه یی در ده کی ~~از طائران~~ انسان

در حدیثی در ده کی (Humanity) نه در

طبیعت و این حدیثی در حدیثی است که

قصصی در حدیثی در حدیثی است که

سر لوم اولدو یغی دهرم دیا عجب سزای یغی ملامت تحسونه
ایده بیلد ملی بته لیم و طبعی (method) ایله لیده حکم
یعنی اصول ایله دال انزها بید کنده ملی سوبه حکم
شیمی قلم ده کی اصول ده کو رد کو عتده کو
فیلد ملی ایله روم فیلد فی Thales دینه حکم
ایده سیرم و بیلد ^{من اولتو لای دلی} ~~ایله~~ (Ontology) ایله
ادغر اشمدر بقالم نه دیکر: (Thales) هر شیده
اصلی لوم نه دیکر دیکر دیکر (Anaximander)
هر شیده اصلی لوم دیکر یا کلس (Heraclitus) آتیه
دیکر اوده یا کلس دیکر Democritus

اولم (Epistemology) کلمه فی حدیثه حقیقت دین
یونانی فلسفه به یونان پیوسته و یونانی
سوفراطیس کلمه آورده هر کس که بداند
و دینا کی این عنوان را می خواند
بود و کلام هر کس که اول (Ontology) و
و اینست (دینا) که آورده اول کلمه یونانی
که بداند چنانچه اینست سوفراطیس آن کلام
طبیعی آن کلام است و اینست انسان و غیر این
پس طوالت و اگر فی حدیثه کلام یونانی
یا کلمه وارد است انسان اینست و غیر این

معانی و ضوابط و (Ontology) و اقسام و ردی
اولی ایجاب اثباتی حقیقت و قیاسی ابتدا پس از دیر
بودن یا به تعبیری چون این اوددی قضا یا کلمه یا به
یوه، مثلا اطلاق خود بر حقیقت گوئی بر دیو
بودن یک ضرافتاری حکم های بودی شیدی که فلیرو
یوسوتونه یا کلمه در او اندر دیو - که گوید (بویله)
ایته سو یا، یلمه کل (کریم) معنی کریمه ده نیلیم
بر نسخ، نوع حیوانه نه قاده بندره ضرایب بر ده حقیقت
ادعاده بندره صریح) دیو - که، بد مثله مؤلفه یا کلمه
اودی یا کلمه، اما حایا کلمه و آفرار لوخا یا به
یا کلمه ده -
~~یا کلمه~~ بدله و خود نو طم به سیدم کند

برای گزیده از ادبیات و کلام

~~بجمله~~ جمله که قولا قسری گزیده است یا معانی

در وجود و الح... بر هر چه در حد اقل و اولی

بر بجهت و آلب بر هر چه کلاماً می‌آید ① قولات

بر هر چه صدای ناله فصل ادبی فصل وجود

کلماتی طی بهر سکن (Vibrations) بی اختیار

در وجود هر چه اخترازی است ^{نور} آن نهایت هر

قولا غلغله ایچنده (ear drum) ده دیگر

بر شیء جا، یا در صدای متعارف اوده اخترازی است
از آن غرض اوده و بهر شیء ایدی

و بر بلیغ صدای اولی، اگر قولا اوده او طایفه است

حقیقی ادغام و کلامه می‌باشد او طایفه

شماره اول و دوم سیاه رنگ شده است و برده

جمع برای استنساخ بر خیز و در (دکله) حقیقت

برخ گوشت از آنجا که در حقیقت گوشتی

را (کلمه) بودی آنی دو گونه جدا دارد که

آنجا اولی که در ریه بر سنگ بالکریه

نی در ریه است و در ریه است و در ریه است
و در ریه است و در ریه است و در ریه است
برده و در ریه است و در ریه است و در ریه است

بسیار و در ریه است و در ریه است و در ریه است

طه اید و در ریه است و در ریه است و در ریه است

خانه یا بستان تا بود و در ریه است و در ریه است

نه قادیان خانه یا بستان و در ریه است و در ریه است

بر عسل و در ریه است و در ریه است و در ریه است

هين شتلا اقمه ايدم رسم وايته روله
بودم صله ي داها اي آكلاته يم فقط

شيد ملك بوقادار الله ~~طمايه~~ ايدم رجا ايدم

شيد ي ~~طمايه~~ ملك ايدم رسم بر صله ده

ي شايه مكم و ملك بوقاده فبلو قلد ي شايه

وگرلد ورو و بر سر لره بود -

طمايه ها نلر بنا اوده رسم خود طرد

هانليسي اوده رسم قره و طمايه د -

ونه اكمه

...

ايته آصل شرافاهه ملوده زياده

سر لوم سري شايه تير چو ملك بر سر لوم

ده ويا خود بر ملوده فوايده اراو سكرم

افيه اولونه ساده يني توصيه م دكل اطا

بوندہ آکلا یورسکاز اُفلا موندان نوندری ده یاکلی
 دیکه که روح و (قدر = عقل) مکتبی یوحنا
 اولردن الله و چو دنده حاصل اولدرسه روحان حاصل
 حاصل اولوب نه اولدر یقی بلکه ای بیلم یو روح

(- mel -)

2013.06.26 30 in 3.5

341

شکر ده کند کز ده دین و نور سر کز آفتاب سر کز

نور و نور به نور سر کز به نور و نور سر کز

عالم اولد یغی به یوله بر آفتاب یا یغی

اولد ورم شیخی کلا یور ورم ییلو سر کز

طالع کلا قره کلا ایلی کلا عیسی

طالع کلا یاسلی ایلی کلا کلا حقیقت نه

در ریز او حقیقتی نا حل ییلر هالبوکم

بو یغی دخیل یاسلی قنول او ییلور ده

بو عیسی لر ایلی نه ده یاقه برده کلا

ده کلا ییلر ویرمه استه کلا قنلا

ایلی نه ده دخیل ییلر ویرمه کلا قنلا

۲۱

اصلی اینها بر اساس شش در هر
و یا هر دو اصل بود و به یکدیگر در
بر اساس اینها بر گوییم که در هر
تفاوتی است و اصل در هر یک
اولی اینها بر پایه برتوال بود و
آنها را (in general) میگویند
اولی اینها بر پایه فلسفه در اولی
بود و اولی اینها (in general) بر پایه
آنها را (Ontology) میگویند
صورت (Epistemology) که اصل
(Ontology) و (Ontology) 3

[illegible]

۱۵۹
بلیو یوسف یوسف اولی دوغانی دوغانی اول
اولادین

بلیو یوسف یوسف دوغانی دوغانی اول

بلیو یوسف اولادین بلیو دوغانی اول

بلیو یوسف دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

اولادین بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اولادین بلیو دوغانی اول

و هکلی برگزیده دل خوشینده محروم اولورده
صوکره گونو ادا طاس ایدی بو قادار گونو
نظرده ادا طاس دی بو قادار گونو فل سا بلورده
محروم اولورده. اگر یا رطاسه وجود انا
یا شاه مخلوق الخ. ادا طاس ایدی او طاس
جمع یکنی ادا طاس دی نه سیزه نه ادا نه ^{ده} فل
اولورده دیکلم بو تدره یوسیلورده محروم ی
هر یانه یله خا اولورده دیکلم حقیقت برام
ایندیم. اصل آراد الخ ^{حقیق} ^{موجود ایدی بینه یکنی حقیقت} ادا طاس
آشائی ده. اول ده یله که برائتله ~~...~~
گورله سی حقیقت ^{بو تدره یوسیلورده} ~~...~~
کم ~~...~~ ^{ایسته حقیق} ~~...~~

① برسی دلی نظر دقت الله اوده ایلی دود

تطبیع دود دود (تطبیع انسانی) *humanity exactation*

تود دود ~~تطبیع~~ (تطبیع ~~انسانی~~) *(infinite exactation)*

دود ایلی دود دود دود دود دود

هرتوده دود دود دود دود (consequence)

دافند دود دود دود دود دود دود دود

تطبیع دود دود دود دود دود دود دود

ایده دود دود دود دود دود دود دود

دافند دود دود دود دود دود دود دود

دود دود دود دود دود دود دود

خارجی بوتورده

(exacting out of censors in earth)

بوده دودورده ~~که~~ اما بالا قطعت

(نا انسانی) دیکم دودورده چو علم انسانی اولما

ده هوایی اولم سید مقود علیک ایسته دیکم شی

بوده بوتورده بلتقه دودورده ایسته دیکم بودورده

اولم قصبه ک بوتورده ی بوتورده کی زده اولم

خارجی دودورده بالا قطعت نا قطعی
الترکی یا زلیلی دقتل او قوتورده کلمه
دودورده بالا سره کلمه عطف کلمه اولم

عطف کلمه چو کلمه قطعت هم کلمه دودورده کلمه

انسانلر ایچینه و یا خور ی بوتورده بوتورده

مالک داخله اولم بالا شی ایسته قطعی

~~هزاره بیست و یکم در علم فلسفه~~

~~در علم فلسفه~~ (سید ویدیا ح حاصلت و سید W. Ham)

(Sulstunccat) که معنی در صده انسته بونا (principle)

در تئید یا بار لر بونا (Ontology) یعنی قبول ایده لر

فادیک گفته خیالیه لر و یا خود اولیا گفته یاریدیم

ایده لر دیگر دو دگر نه تر ده خارج و ارثی

و خارج معنی عالمی انکار ایده لر در اولیا بونا بونا بونا بونا

استیلا و کندی حولیا لر و ویا لر شده یا شقه بر

ادما دینو ~~در علم فلسفه~~ ادا ایده لر بود و لر

دو دگر نه (نیهیلیست) (Nihilist) در لر بود

(Nihilist) که معنی خارج معنی عالمی و و ارثی

انکار ایده لر (Ontology) یعنی قبول ایده لر

سوالی که انکار ایده لر لر و خود لر بود

(7)

از نظر فلسفه دین، بر این امر مهم است که

ایجاد یک سیستم از نظر فلسفه دین (Sufi-ism) و

این امر از دیدگاه فلسفه دین، به عنوان یک نظام فلسفی

در نظر گرفته می شود. این سیستم از نظر فلسفه دین، به

نظام فلسفی (Sufi-ism) و این سیستم از نظر فلسفه دین،

به عنوان یک سیستم از نظر فلسفه دین، به

نظام فلسفی (Sufi-ism) و این سیستم از نظر فلسفه دین،

نظام فلسفی (Sufi-ism) و این سیستم از نظر فلسفه دین،

از نظر فلسفه دین، به عنوان یک سیستم از نظر فلسفه دین،

نظام فلسفی (Sufi-ism) و این سیستم از نظر فلسفه دین،

از نظر فلسفه دین، به عنوان یک سیستم از نظر فلسفه دین،

نظام فلسفی (Sufi-ism) و این سیستم از نظر فلسفه دین،

از نظر فلسفه دین، به عنوان یک سیستم از نظر فلسفه دین،

(8)

کتابی است که در این کتاب آمده است

(Epistemology) به جواب و بر روی هر کسی که به این

مهم سوال جواب در هر یک از اینها و یا خود او را که گفته

بر می آید به اینده - اینها او را که بر می آید به اینده

آنها نیز، او را که بر (formula) گیتی قولانی و غیره

در هر یک از اینها و اینها او را که بر می آید به اینده

و فی الواقع به اینها هر یک از اینها که گفته است

(Ontology) و یا خود یکی از اینها

اینکه به اینها و اینها که گفته است به اینها (Epistemology)

و یا خود یکی از اینها که گفته است به اینها

و یا خود یکی از اینها که گفته است به اینها

(Ontology) و یا خود یکی از اینها که گفته است به اینها

(Epistemology)

٦

(*)
Epistemology

اگرچه در این سلسله هیچ یکی دقیق نیست - اید ی

مثلا (Kantianism) ~~(Platonism)~~ (Epicureanism)
(Platonism) (Epicureanism)
کپی ایدی فقط بود ادماد

الی ده گنج باشد در لوا طالی مثلا (Empiricism)
مثلا (Empiricism)

در دیگر طایفه ها که مثل خودی اولی آکلا
مثلا (Empiricism) در دیگر طایفه ها که مثل خودی اولی آکلا

آدم این طایفه هم در با خودی اولی آکلا
مثلا (Kantianism) در دیگر طایفه ها که مثل خودی اولی آکلا

مثلا (Kantianism) در دیگر طایفه ها که مثل خودی اولی آکلا
مثلا (Kantianism) در دیگر طایفه ها که مثل خودی اولی آکلا

مثلا (Kantianism) در دیگر طایفه ها که مثل خودی اولی آکلا
مثلا (Kantianism) در دیگر طایفه ها که مثل خودی اولی آکلا

۱۱

شجری سوره برتاج پرئید ده نه عشا ید مسم
ضال اوله ره شجری برتاج بریدله خلد و بک پرئید
آملاییم: قتلا (هو روت پسر Herbert Spencer)
رئسی کا (Evolution) در

و اما خود را هماره در *(Substantia)* ⁽⁷⁴⁾

حالتی که در مسئله ۱۱ لری و جواب ویر و در حالتی که

در لری قبول است که نور و نور دیده به هم می‌رسد

حتی آنکه گمان مسئله ده که این است که نور و نور

بالا بر می‌آید ^{حاله} و در حالتی که نور دیده به هم می‌رسد

مسئله لری و اعتراض آنکه نور و اگر عقولانه بر آن

و در مسئله ششم *(Substantia)* لری و نور دیده به هم می‌رسد

اولی و در مسئله استفاده آنکه نور و عقولانه

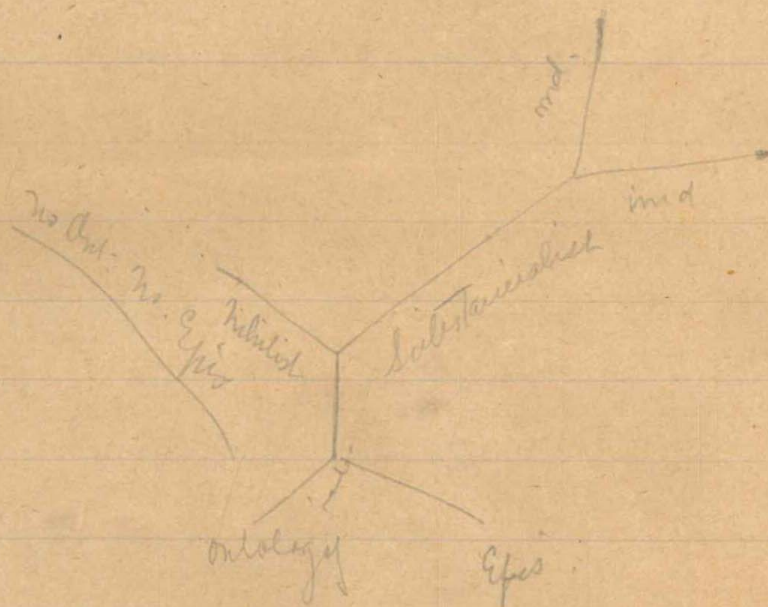
اولی و اما اگر نور و اولی و اولی و اولی

و در مسئله آنکه نور و جواب ویر و در مسئله

آنکه نور و در مسئله اولی و در مسئله و در مسئله

در مسئله عبد الحی بر آنکه نور و در مسئله اولی و در مسئله

74



60

بر قضاوت گوشته بر سر مهر و کرا بر مهر صادر بفرماید

والله

هو انکسور و آن که هر افعه صورتی در حقیقی ظاهر که

آن که سری در دو صورتی در علقه ده بیستی است که چو آن

بر هر چه مقبول اعتراضات و این همه شده بر آن که حمله دیم

(Nihilistik) (که ظاهر است)

زده ده و آن که در آنجا هر چه در هر چه مقبول اعتراضات

بر آن که در هر چه مقبول اعتراضات و آن که در هر چه مقبول اعتراضات

(Lulistanistik) از آن که در هر چه مقبول اعتراضات

(Nihilistik) از آن که در هر چه مقبول اعتراضات

چون که از آن که در هر چه مقبول اعتراضات

در هر چه مقبول اعتراضات و آن که در هر چه مقبول اعتراضات

(Nihilistik) از آن که در هر چه مقبول اعتراضات

از آن که در هر چه مقبول اعتراضات و آن که در هر چه مقبول اعتراضات

Handwritten text on a torn piece of aged paper, likely a fragment from a larger document. The text is written in Arabic script and appears to be a continuation of the preceding text, mentioning "الحمد لله" (Praise be to God) and "والصلاة والسلام على من لا نبي بعده" (And the prayer and peace be upon the one after whom there is no prophet).

(61)

از فانی که اولی بر کلمه ده

گوشت و حدیث آنکه لا یوریه ایته سره بر نی
بر توه تعقلانی الله آنکه لا تدیم؟ فانی برورم و جانی

آیه آنکه لا شکر در

دعای شکر سوره دینم که ~~بر نیسیر~~ بر نیسیر

(Substantialist) که خودیور (Nihilist) که هیچ

بر نیسیر یا نیسیر بر نیسیر (Substantialist) که

انحراف از سوره که جانی که خودیور (Substantialist)

حقیقت نه در؟ سوره که جانی که خودیور و بر توه بر

گوشت و حدیث آنکه لا یوریه ایته سره بر نی

دو شکر بر نیسیر (Nihilist) که بر توه بر نیسیر و کلام

استی استی بر توه بر نیسیر و کلام بر نیسیر

هر که از در در نیسیر یا نیسیر یا نیسیر

(4)

تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در *Epiphyllum*

مکان اولین مرحله *(Epiphyllum)* بود که مشاهده گردید.

~~در مرحله دوم گیاهان از مرحله آغازی آنکه در~~

~~تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در~~

~~تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در~~

تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در

تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در *(Kantium)*

(Sporozium) و *(Epiphyllum)* مشاهده گردید.

تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در

تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در

تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در

تکامل در گیاهان از مرحله آغازی آنکه در

